

ذره بین

انگیزه آدم‌ریایان در هاله‌ای از ابهام است
مدیر عامل پروژه‌های صداوسیما
زوده شد



شهروند | مدیر عامل پروژه مجتمع‌های مسکونی صداوسیما، با انگیزه نامعلومی از سوی ۴ مرد قوی‌هیکل ربوده شد. تحقیقات پلیسی در خصوص شناسایی و دستگیری آدم‌ریایان آغاز شده است.

ساعت ۸ صبح روز دوشنبه وقتی مدیر عامل پروژه مجتمع‌های مسکونی صداوسیما برای سرکشی به پروژه‌هایش به خیابان کاج شهرک راه‌آهن رفت، هرگز تصور نمی‌کرد در حصار ۴ مرد مأمور نمای قوی‌هیکل گرفتار شود. مردان مأمور نما از یک خودروی مگان مشکمی‌رنگ پیاده شدند و با زور این مرد را اسوار خودروی خود کردند. آنها سپس از ریودن مدیر عامل پروژه به سرعت پا به فرار گذاشتند. نگهبان این مجتمع‌ها که تنها شاهد ماجرا بود با داد و فریاد سعی کرد مانع ربوده شدن مدیرعاملش شود، ولی فایده‌ای نداشت. چند لحظه بعد مأموران پلیس در جریان ماجرا قرار گرفتند. تحقیقات پلیسی آغاز شد. در حالی که با توجه به حساسیت موضوع تجسس‌های پلیس در این خصوص ادامه داشت و هیچ ردیایی از آدم‌ریایان در اختیار پلیس قرار نداشت، ۵ ساعت بعد مدیر عامل پروژه با پای خودش پیش پلیس رفت و گفت که آدم‌ریایان وی را آزاد کرده‌اند. او گفت که آدم‌ریایان کیفیت تمام‌مدارک و پول‌هایش را سرقت و او را در خیابان رها کرده‌اند. با اذعان‌های این مرد پلیس به دنبال ردی از این مردان است اما هنوز آدم‌ریایان پیدان نشده‌اند و مشخص نیست که آنها با چه انگیزه‌ای دست به این آدم‌ریایی زده‌اند. نگهبان مجتمع در مورد جزئیات این ماجرا به «شهروند» گفت: «ساعت ۸:۱۰ دقیقه صبح بود که خودروی آقای اسماعیلی مدیر پروژه‌های مجتمع‌های مسکونی صداوسیما معروف به پروژه‌های مهستان را دیدم. آقای اسماعیلی از خودرویش پیاده شد و می‌خواست وارد مجتمع شود که ناگهان ۴ مرد را دیدم که با زور و دهن مایم را بسته و او را اسوار خودرو کردند. عکس‌العمل آنها آن قدر سریع بود که به من فرصت انجام هیچ کاری را نداد. برای همین همان لحظه با پلیس تماس گرفتم و جریان را تریف کردم.»

مکت

شکار دختر بیچه‌ها با همکاری دو همسر

مرد تبهکار به صورت خانوادگی به شکار طلاهای دختر بیچه‌ها می‌رفت که در ایستگاه زندان متوقف شد.

در پی اعلام یکی از شهروندان فردوس مینی‌بر سرقت طلاهای دختر بیچه پنج‌ساله‌اش موضوع به صورت ویژه در دستور کار فرماندهی انتظامی این شهرستان قرار گرفت.

مأموران پلیس با انجام اقدامات اطلاعاتی موفق به شناسایی نوع خودرو سارقان شدند و در این راستا ضمن اجرای طرح مپار در سطح شهرستان هماهنگی‌های لازم با شهرستان‌های همجوار نیز انجام شد. در حالی که دستگیری متهم در دستور کار مأموران قرار گرفته بود یک سرقت دیگر از حوزه کلاتری اسلامی شهر فردوس مشابه سرقت‌های قبلی به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد که برای دستگیری سارق با سارقان تمام نیروها به حالت آماده‌باش در آمدند. با توجه به سرنخ‌های به دست آمده و احتمال خروج سارقان از حوزه استحضالی به طرف شهرستان گناباد خراسان رضوی، مراتب از سوی پلیس آگاهی به کلاتری کاخک گناباد اعلام شد. پس از حدود یک نیم ساعت از وقوع سرقت برابر اعلام کلاتری کاخک گناباد خودرو پیکان سفیدرنگ سارقان توقیف شد و تحقیقات در خصوص سرقت‌های مشابه برای شناسایی اموال سرقتی به محل اعزام شدند. پس از حضور مأموران در محل و مشاهده طلاهای سرقتی توسط مالیاخته، سارقان که یک خانواده متشکل از یک مرد و یک زن به همراه دو کودک بودند، مورد شناسایی قرار گرفته و دستگیر شدند. پس از هماهنگی قضایی به عمل آمد بین شهرستان‌های فردوس و گناباد متهمان به شهرستان فردوس منتقل و مورد بازجویی قرار گرفتند.

زمانی که مأموران سر کرده اصلی باندر در مقابل لایل محکمه‌پسند قرار دادند، متهم به ناچار لب به اعتراف گشود و به هفت سرقت در شهرستان‌های فردوس، بردسکن، قم، نائین، دلیجان و یک فقره قتل در شهرستان طبرس اعتراف کرد. قاتل دارای دو همسر و دو فرزند بوده که بیشتر سرقت‌ها را با همدستی آنها انجام می‌دهد و انگیزه خود را از سرقت‌های سریالی و قتل، تأمین هزینه همسرانش بیان داشته است. متهمان دستگیر شده پس از تشکیل پرونده راهی دادسرا شدند.

مادر جوان صبح دیروز روی تخت بیمارستان جان سپرد

... و اسید زندگی‌اش را ربود

کوچکترین قربانی اسیدپاشی سر نوشتی مبهم، انتظارش را می‌کشد



همان زمان به خودش قول داد تا جلوی رعنا و نازنین (دختر بزرگش) صبور باشد و کودکانش را به آینده مبهمشان امیدوار کند.

حمایت جامعه از کودکان قربانی اسید پاشی

دکتر حسن عشایری / آسیب شناس اجتماعی | کودک آزاری این روزها یکی از معضلات جوامع بشری است. کودکان قربانیان جنگ های خرد و کلان دنیا می‌شوند. بسیاری از مدرسه کودکان در سوره به تائیه بنی دانش آموزان در مدرسه‌ها همه و همه نشان دهنده ترویج کودک آزاری در جهان است. با این حال اسیدپاشی را می‌توان در صدر این نوع جرایم خشن علیه کودکان قرار داد. عقده‌های سرکوب شده و کمبودهایی که شخصیت یک هنجار شکن جامعه را شکل می‌دهد علت برخی آسیب‌های اجتماعی و وقوع جرم است. اما در پرونده‌های اسیدپاشی از این موارد باید عبور کرد چرا که نیاز به یک آسیب‌شناسی عمیق دارد. با این حال قربانیان اسیدپاشی به خصوص اگر در سنین کمتری باشند نیازمند حمایت همه‌جانبه از طرف جامعه و قانون هستند. این کودکان به دلیل تجربه شرایط بحرانی، معمولاً دچار استرس و تشنج در زندگی می‌شوند و رشد ذهنی شان با تاثیر پذیری از ضربه هولناکی که آنها وارد شده دچار فرآیندی آسیب پذیر خواهد شد. با این حال این کودکان قربانی اسیدپاشی نیازمند حمایت انجمن‌ها و اورگان‌هایی است که او را برای درک شرایط متفاوت زندگی اش با دیگر هم سن و سالان تحت کمک و درمان قرار دهند. این کودکان قطعاً باید تحت درمان‌های تخصصی قرار گرفته و تا زمان بهبودی کامل کنترل شوند. هر چند برای قربانیان اسید پاشی که همراه با خاطرات تلخ صورت‌هایشان نیز سوخته است روال در مان بسیار سخت تر است. اسید پاشی تنها به حریم شخصی افراد آسیب وارد نمی‌کند بلکه اثرات منفی این پدیده شوم، جامعه را در بر می‌گیرد. به همین خاطر باید ریشه این فرهنگ را پاک‌وی کرد تا شاید یادگیری اجتماعی، خرد جمعی و عاطفه اجتماعی تکرار این پدیده شوم را متوقف کند.

متوجه شدند که این مادر و دختر وقتی در خواب بوده‌اند قربانی اسیدپاشی شوهر معاندش شده‌اند. حادثه‌ای که همه را در شوکی عمیق فرو برد و از آن روز به بعد زندگی سمیه و رعنا، همراه با صورت اسیدی‌شان سوخت و تحلیل رفت. سال‌های اول سخت‌ترین بود، مادر و و فرزند باید علاوه بر طی کردن روال درمان‌شان برای مجازات شوهر و پدر اسیدپاشش جدال می‌کردند. چشم‌های سمیه در آتش اسید خاموش شده بود. اسید موجب

التماس‌های متهم در دادگاه به اولیای دم هم فایده‌ای نداشت
مجازات مرگ برای قاتل آتش افروز

مهمانان تور گردشگری در ویلای دماوند قربانی این توطئه کینه‌جویانه شدند



فرستاده شد. صبح دیروز متهم در مقابل هیات قضایی ایستاد و از خودش دفاع کرد. در ابتدای این جلسه نماینده دادستان برای متهم تقاضای مجازات کرد. بعد از آن پسران محبوبه و فروق و همچنین مادر مختار از دادگاه تقاضای قصاص برای متهم را کردند. مادر مختار در حالی که به شدت گریه می‌کرد به هیات قضایی گفت: «پسر ۲۸ ساله بود و معلول جسمی بود. من آن روز او را به همراه این تور با خودم به گردش برده بودم تا شاید حال و هوایش عوض شود. وقتی این آتش‌سوزی رخ داد پسرم به دلیل ناتوانی جسمی نتوانست خودش را نجات دهد. من هم بی‌پوش شده بودم، کسی هم او را از میان شعله‌های آتش نجات نداد. بود. پسرم ناخواسته دانه مردوم‌ن برای قاتلش تقاضای قصاص دارم.»

در ادامه این جلسه فریاد جیگانه قرار گرفت و به قضات دادگاه گفت: «من مرئی ورزش هستم و با حمیدرضا چند وقت قبل آشنا شدم و به

کار آگاه

گردنبند قابی‌های سارق حرفه‌ای

شهروند | ۱۵ سال سابقه دارد اما دست از سرقت بر نمی‌دارد. بارها پشت میله‌های زندان را تجربه کرده است. باید در زندان محکومیتش را می‌گذرانده اما پس از ۶ ماه با قرار وثیقه از زندان فرار کرد و بار دیگر نقشه سرقت‌های خود را به مرحله اجرا گذاشت. ۷ ماه بود که پرونده گردنبند قابی‌های خیابان افزایش یافته بود که پلیس این مجرم تبهکار را ردیابی کرد و او را به دام انداخت.

۱۰ اسفند ماه سال گذشته پرونده سرقتی عجیب پیش روی مأموران کلاتری ۱۰۷ فلسطین قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌داد که سرنشین یک موتورسیکلت، گردنبدن زن ۷۰ ساله را به سرقت برده است.

مالباخته پس از حضور در پایگاه سوم پلیس آگاهی، در اظهاراتش به کار آگاهان گفت: ساعت ۱۳:۳۰ در میدان شهسادی هفتم تیر - خیابان مفتح - نیش خیابان شهید شیروزی قصد عبور از عرض خیابان را داشتم که ناگهان یک موتورسیکلت تک سرنشین در مقابل من توقف کرد. در یک لحظه دست خود را به سمت گردنم دراز و گردنبدن و مبدال طلای مرا به ارزش تقریبی دو میلیون تومان به سرقت برد.

شاکیه با وجود سن بالا، بارها به مشخصات دقیق از چهره فرد سارق به کار آگاهان گفت: سارق فردی ۴۷ ساله، کمی چاق اما تنومند بود که از کلاه و لباس بشمی نیز استفاده کرده بود.

با توجه به اظهارات دقیق مالباخته در خصوص چهره فرد سارق، کار آگاهان با بهره‌گیری از بانک اطلاعات مجرمان سابقه‌دار موفق به شناسایی یکی از تبهکاران حرفه‌ای در زمینه گردنبدن قابی‌ها نام آرش شدند که پیش از این بارها به اتهام جرایم مختلف سرقت، کیف‌قاپی، قدرت‌نمایی با سلاح سرد و به‌ویژه گردنبدن قابی دستگیر و روانه زندان شده است. کار آگاهان با بررسی آخرین سابقه دستگیری متهم اطلاع پیدا کردند که «ارش» پس از آخرین دستگیری خود و صدور محکومیتش در



دوم مهر ماه ۹۳ با تأمین قرار وثیقه آزاد شده و همزمان با آزادی‌اش از زندان، پرونده‌های گردنبدن قابی و سرقت از زنان در سطح شهر تهران افزایش پیدا کرده است. با توجه به شباهت موجود در تمامی این سرقت‌ها، شناسایی مخفیگاه آرش و دستگیری وی به صورت ویژه در دستور کار کار آگاهان این پایگاه قرار گرفت.

دستگیری «ارش» در شرایطی در دستور کار کار آگاهان پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت که هیچ‌گونه اطلاعات اولیه قابل بهره‌برداری در رابطه با مخفیگاه آرش وجود نداشت و او نیز پس از آزادی از زندان، بلافاصله محل سکونت خود را تغییر داده و حتی اعضای خانواده‌اش نیز از محل سکونت وی اطلاعی نداشتند. در چنین شرایطی و در حالی که آرش بواسطه سوابق متعدد دستگیری و زندان، تمامی اقدامات احتیاطی جهت جلوگیری از دستگیری توسط پلیس را انجام داده بود، با این وجود و با انجام اقدامات گسترده پلیسی و شبانه‌روزی سرانجام مخفیگاه وی در منطقه تهرانسر شناسایی و او بار دیگر و به صورت غافلگیرانه دستگیر شد.

«ارش» بیش از ۱۵ سال در زمینه سرقت فعالیت دارد. او در این مدت بارها توسط پلیس آگاهی دستگیر شده و به مجرمی شناخته شده در میان کار آگاهان مبارز با کیف‌قاپی و گردنبدن قابی تبدیل شده. او پس از دستگیری به گردنبدن قابی در مناطق مختلف شهر تهران اعتراف کرده همزمان با دعوت تعدادی از شاکیان و مالباختگان، آرش از سوی این افراد مورد شناسایی قرار گرفت.

در حالی که متهم به سرقت‌های خیابانی اعتراف کرد، باز پرس برنده با انتشار بدون پوشش تصویر آرش از کسلی که موفق به شناسایی تصویر این مرد شده‌اند خواست تا جهت پیگیری شکایت خود به نشانی پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ واقع در خیابان شهروزی شمالی - خیابان خرمشهر - میدان نیلوفر مراجعه کنند.

دار و های دامی غیر مجاز به مقصد نر سید

کامیونت حامل ۸ تن داروی دامی غیر مجاز و فاقد مجوز در پلیس راه نونکنده در غرب استان گلستان از سوی مأموران توقیف شد. گلزارش اریانا از پایگاه پلیس گلستان فرمانده انتظامی بندرگز روز سه‌شنبه اظهار داشت: این مقدار داروی دامی غیر مجاز در بازرسی از یک دستگاه کامیونت هنگام کنترل خودروهای عبوری در پلیس راه نونکنده از توابع این شهرستان کشف شد.

سرسرنگ علی‌اکبر خرمی تصریح کرد: داروی دامی کشف شده پس از تنظیم صورت‌جلسه، تحویل اداره دامپزشکی شهرستان شد. به گفته وی، یک نفر در این ارتباط دستگیر شده است. شهرستان بندرگز در فاصله ۴۲ کیلومتری غرب گرگان (مرکز گلستان) واقع است و با افزون بر ۵۰ هزار نفر جمعیت شامل دو شهر بندرگز و نونکنده و چندین روستاست.